

بررسی تغییرات الگوی فرهنگی پاکی و ناپاکی در ایران

مهناز عباسی*

چکیده

چکیده: از رخداد‌های بزرگ تاریخ ایران، ظهور و گسترش اسلام، در سده‌های نخستین هجری بود. دستاورد تعامل ایران و اسلام، تحول در بخشی از ابعاد و شاخصه‌های فرهنگ بود. چگونگی اسلامی شدن شیوه زندگی مردم، به ویژه فرهنگ پاکی و ناپاکی، مسئله پژوهش حاضر می‌باشد.

مقاله پیش رو به دنبال فهم تحول نظام تطهیر، با استفاده از روش تفسیری و معناکاوانه، ابتدا الگوهای فرهنگی پاکی و ناپاکی حیوانات، طبیعت و اشیا، در ایران دوره پیشاسلامی را بررسی نموده، سپس به بازنمایی نوع تعامل مردم ایران می‌پردازد.

در مفهوم سازی جدید از پاکی و ناپاکی، اسلام، با مفید معرفی کردن کلیه حیوانات اقدام به تغییر در برخی الگوهای فرهنگی زرتشتی نموده، سگ و خوک را ناپاک دانسته و در عوض حشرات و خزندگان را اهریمنی ندانسته، و در برخی حیوانات حلال گوشت دیگر مانند اسب و گاو و... تداوم الگوهای پیشین را شاهد هستیم.

در باره طبیعت در مواردی با تغییر الگودر مفهوم قداست آتش روبرو بوده، در مورد زمین شاهد تداوم همراه با تثبیت هستیم، و در مورد آب رویکرد فرهنگی، تداوم همراه با اصلاح می‌باشد.

در مورد اشیا نیز نظاره گر محدود سازی در مفهوم پلیدی البسه، لوازم منزل و فرآورده‌های چوبی در تماس با مردار و ... می‌باشیم.

کلیدواژه‌ها: اسلامی شدن، ایران، تطهیر، الگوی فرهنگ، تغییر.

* عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، abbasi_m89@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۹

۱. مقدمه

از رخداد‌های بزرگ تاریخ ایران، ظهور و گسترش اسلام در سده‌های نخستین اسلامی، می‌باشد. این رخداد، بیانگر تحولی عظیم در فرهنگ یا شیوه زندگی مردم ایران است. با در نظر گرفتن این واقعیت، پرسش اصلی پژوهش پیش رو، چگونگی «اسلامی شدن» شیوه زندگی مردم و از آن جمله فرهنگ تطهیر می‌باشد. پرسش دیگر آن که الگوهای فرهنگی بهداشت و پاکی رایج در دوره پیشااسلامی کدام بود؟ الگوهای شکل گرفته در دوره اسلامی کدام بود؟

منظور از «اسلامی شدن»، مجموعه تغییراتی است که در ابعاد گوناگون زندگی فردی و جمعی و «الگوهای فرهنگی» رایج در ایران به وجود آمده تا این الگوها سازگار با ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی شوند. «اسلامی شدن» در این مقاله، اشاره به فرایند تحول فرهنگی دارد، که با دو روش ایجاد می‌شود:

۱. پیدایش الگوهای فرهنگی جدید تطهیر که دین اسلام آن‌ها را تعریف کرده و به وجود آورده است.

۲. ایجاد تغییر در فرم و محتوای الگوهای فرهنگی رایج و شکل گرفته تطهیر در دوره پیشااسلامی.

با توجه به کثرت کاربرد و اژگان ذیل، منظور از آنها عبارتند از:

فرهنگ: "الگوی تاریخی انتقال یافته معنا است که در قالب نمادها تجسم یافته، و یک نظام از ادراکات موروثی است که در اشکال نمادین بیان شده و به واسطه آن، انسان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند" (فاضلی و قلیچ، ۱۳۸۹: ۷۰).

الگوی فرهنگی: (culture pattern) را می‌توان سازمان مشخص از سیمایهای فرهنگی تعریف کرد، یعنی رابطه‌ای کامل و پایدار بدون توجه به محتوا و ابعاد آن (محمدی، ۱۳۷۰: کتاب نهم، ۱۶۲/۱۶۴-۱۶۰).

فرایند: پروسه و روندی است که شامل بررسی زمینه‌های موجود فرهنگی، مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌ها، بررسی تأثیر و تأثرها و توجه به نمادها می‌باشد و طی آن، تحولات پیش آمده در جریان یک موضوع (در این مقاله اسلامی شدن الگوی فرهنگی تطهیر) بررسی می‌شود.

پژوهش حاضر، با تکیه بر روش فرایندی (دیدن تاریخ به مثابه یک فرایند)، سعی دارد با رویکرد تاریخی، تفسیری و معناکاوانه دریابد که شکل‌گیری فرهنگ اسلامی در زمینه تطهیر، در ایران، به صورت یک روند، چگونه صورت گرفته است؟

یکی از شاخصه‌های مهم برای فهم فرهنگ هر جامعه، شناخت شیوه‌ی زندگی آنان می‌باشد. بررسی الگوی فرهنگی تطهیر در ایران دوره‌ی اسلامی، نیازمند تأمل در فرایند اسلامی شدن نظام تطهیر و دقت در چگونگی تاثیر و نفوذ آموزه‌های اسلام در ابعاد مختلف زندگی مردم می‌باشد. در این مسیر، مراجعه به آیین‌ها و کتاب‌های بازمانده از ایران دوره‌ی پیشااسلامی ضروری می‌نماید.

با توجه به گستردگی مفهوم پاکی و ناپاکی و تعدد مصادیق آن، قبلا و طی مقاله‌ای مستقل، جایگاه انسان در نظام تطهیر، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۲. پیشینه تحقیق

اگر از کتب و منابع مرتبط با موضوع پژوهش بگذریم، نزدیک‌ترین پژوهش از نظر مسئله، مقاله (آیین‌های طهارت در دین زرتشتی، ۱۳۹۲، فصلنامه تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا ۶۹-۸۷) از آقای عباس رجبی می‌باشد، نویسنده در این مقاله به بررسی احکام طهارت در وندیداد پرداخته و پس از برشمردن پلیدی‌ها و پاکی‌ها و شرح آیین‌های تطهیر به توضیح اصطلاحات مهم در زمینه پادیاب و تطهیر می‌پردازد. وی در این جستار تنها به تبیین این مفهوم به لحاظ نظری پرداخته و نوع تعامل مردم ایران با این پدیده و تحولات دوره بعد از اسلام را مد نظر قرار نداده است. دومین پژوهش مرتبط، پایان‌نامه‌ای با عنوان (تحلیل مفاهیم پاکی و ناپاکی در فرهنگ زرتشتیان ایران، مطالعه موردی شهر تهران، استاد راهنما رحیم فرخ‌نیا، استاد مشاور کتابون مزداپور، دفاع شده در ۸۸/۱۰/۲۷ دانشگاه بوعلی سینا) می‌باشد. خانم لیلا صبوری نهند، به عنوان پژوهشی میدانی وضعیت کنونی زرتشتیان ایران را بررسی نموده، آنگاه به آتشکده‌های فعلی در شهر تهران و برخی مراسم آنجا می‌پردازد.

پژوهش پیش رو پس از اشاره‌ای کوتاه به چگونگی مفهوم سازی از پلیدی و پاکی در آیین زرتشت و مقایسه‌ی آن با مفهوم پردازی اسلام از طهارت و نجاست، به بررسی جایگاه حیوان، طبیعت و اشیاء در هستی‌شناسی زرتشتی می‌پردازد تا در ادامه، فرایند اسلامی شدن الگوی فرهنگی تطهیر در موارد فوق را بازنمایی کند.

۳. مفهوم پاکی و ناپاکی در آیین زرتشت

پلیدی و پاکی در الهیات زرتشتی، موقعیت ویژه ای داشته است. دو رستگی، تمام عالم اعم از مادی و روحانی را در برمی گیرد و تمامی امور را در دو مقوله ی «خیر و شر» و «قدسی و مادی» تقسیم بندی می کند. این ثنویت (dualism) به شکل آموزه ای مبتنی بر دوگرایی کیهانی و اخلاقی، نبردی جهانی بین نیروهای خیر و شر را مشخص می کند، نبردی که تا خلع سلاح و شکست شر، از آن گریزی نیست. پاکی و طهارت می تواند باعث فرارسیدن فرشکرت شود، آفرینش های اهورامزدا همه پاک و منزّه هستند، آنچه آفرینش را آلوده میکند، مانند چرک، بیماری، تعفن، کپک و سرانجام مرگ، از رزم افزارهای انگره مینو است. هرگونه مبارزه با پلیدی، دفاع از آفرینش های نیک است. این اصل آیینی، همه ی افراد را درگیر مبارزه با بدی می کند. موبدان، پس از گذشت نسل ها، برای تقویت این اصل، انبوهی از مقررات و آداب طهارت را وضع کرده اند (بویس، ۱۳۷۴: ۴۰۳).

در متون پهلوی، از هجوم و تازش اهریمن بر آفرینش «اورمزد» سخن می رود و اینکه اهریمن بر آسمان، آب، گیاه، گاو یکتا و کیومرث، حمله برد. بر اثر آن حمله، آب، آلوده، گیاه، خشکانیده، آسمان، شکسته و کیومرث بیمار شد و به خوابی عمیق رفت آنگاه که از خواب برخاست جهان را مانند شب تاریک دید و در همه ی زمین، مار و کژدم، وزغ و انواع خرفستران زیانکار پدیدار شده بودند. (راشدمحصل، ۱۳۶۶: ۷-۵) در ادامه، نبرد جداگانه ی هر کدام از آفریدگان با اهریمن شرح داده می شود از آسمان و باد و زمین ("همان" ۱۷-۸) و ...

از جمله ی آفریدگان، انسان بود. انسان نیز که جزء فروزه های مینوی است، اساساً گوهری مینوی دارد و اهورامزدا پس از خلقت همه ی آفرینش، انسان را آفریده، آنگاه مورد هجوم اهریمن قرار گرفته و از پاکی به ناپاکی درآمده است. بنابراین انسان در این جهان در مرحله ی آمیختن با پلیدی است و کلیه ی آیین های تطهیر در جهت زدودن آلودگی از وی تعریف شده اند. پس سنت زرتشتی به قرار اولیه در آوردن هستی و برگشت از ناپاکی به سمت پاکی می باشد. در جهان بینی زرتشتی که آیین ها جایگاه خاصی دارند، شر به عنوان یک آلاینده خارجی دیده می شود و نه گناه و معصیت.

شر و آلودگی، امکانی را فراهم می آورد که هر زرتشتی در نبرد کیهانی بین خیر و شر در دنیا به قهرمانی محوری تبدیل شود (گیویان، ۱۳۹۰: ۴۷۵). زرتشتی مومن باید اورمزد را که آفریننده همه خوبی هاست با شادی پرستش نماید و با قلبی مطمئن و قوی با اهریمن و

آنچه آفریده اوست مبارزه نماید تا آنکه روز شکست اهریمن و پیروزی نهایی نیکی فرارسد (مری بویس، بی تا: ۱۳۲) حتی وجود ذره ای ناپاکی در این جهان مانع و سدی در ایجاد سلطنت الهی که بوجود آورنده پاکی مطلق است خواهد بود. (کای بار، بی تا: ۵۲).

در هستی شناسی زرتشتی، هدف از آفرینش جهان مادی و تداوم آن، به وجود آمدن میدان نبردی با شر و اهریمن، معرفی شده است و انسان، نیروی اصلی این پیکار می باشد. (ویلیامز، ۱۳۸۸: ۷۹-۷۶) فرهنگ دینی زرتشتی سعی می کند با معنا دادن به پدیده های کیهانی و انسانی بین جامعه و محیط، سازگاری ایجاد کند و با ارایه ی باور (موظف بودن انسان به مبارزه با اهریمن)، خلقت انسان و جهان را معنادار نماید.

پاک کننده هادر آیین زرتشت شامل: خورشید، آتش، آب، خاک، گمیز (ادرار گاو) و سنگ دید می باشد. البته قبول دین مزدیسنی نیز باعث پاک شدن انسان می گردد (وندیداد: ۴۵/۹). پلیدی ها نیز شامل: هخر (لاشه مردار و آنچه از بدن انسان جدا می شود مانند ادرار، مو و ناخن)، موجودات زیان آور و قاعدگی زنان می باشد.

پس از بررسی مفاهیم پاکی و ناپاکی در آیین زرتشتی و دقت و تحقیق در آموزه ها، شاهد آداب، مناسک و آیین های سختگیرانه ای برای پاکی فرد و اجتماع در این دین کهن خواهیم بود.

از آنجا که آیین ها بازتاب تفکر مردم هر سرزمینی می باشد، مستندات تاریخی (ابن حوقل، ۱۳۴۰: ۴۳-۴۲ و ۱۰۹ و ۲۲۰)، (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۴)، (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۲۱). از تعدد آتشکده ها و آتشگاه ها در ایران دوره پیشاسلامی خبر می دهند. ابن حوقل جغرافی نگار مسلمان، پس از توصیف تعدادی از آتشکده ها در باره آتشکده منسریان در قریه ی سوکان شیراز چنین می نویسد: در آیین زرتشتی اگر زنی حامله یا حیض زنا کند پاک نمی شود مگر این که بدین آتشکده بیاید و در نزد آتشان و هیربد برهنه شود و او را با پیشاب گاو پاک گردانند (ابن حوقل، ۱۳۴۰: ۴۳).

سختگیری در اجرای آداب شرعی تطهیر و لزوم حضور چند موبد در حین اجرای آئین «برشوم» و یا «سی شور» نیاز به حضور موبدان زرتشتی را دو چندان می کرد (دارمستتر، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۳۲). دقت و پیچیدگی این مراسم باعث می شد افراد تنها تحت نظارت روحانیون به انجام آن قادر بوده و مستقیماً توانایی اجرای آن را نداشته باشند و این خود منجر به افزایش قدرت روحانیون و تمرکز قدرت روحانیت زرتشتی می گردید.

پس از تبیین مفهوم پاکی و ناپاکی اینک به بررسی جایگاه حیوان، طبیعت و اشیا در این نظام معنایی می پردازیم:

۱.۱ حیوانات

با تکیه بر تفکر دوگرایی زرتشتی حیوانات نیز به دو بخش اهریمنی و سودآور تقسیم می شوند. حیوانات اهریمنی (خرفستره) شامل مار، کژدم، وزغ، موش، مورچه، ملخ، مگس، زنبور، تارتنه (عنکبوت)، کرم، سوسک، سن، شپش، پشه و سرگین گردان می باشد (پورداود، ۲۵۳۶: ۱۹/۳-۱). ایرانیان اعتقاد داشتند آنچه بد و زیان آور است و رو به نیستی دارد، اهریمنی و سزاوار ستیزه است و آنچه برای زندگی خوش به کار آید، و رو به هستی دارد، ایزدی و در خور نوازش و دوستی است. ناگزیر در میان جانوران، چارپایانی همچون شتر و اسب و استر و گاو و میش و خر و بز و سگ، آفریدگان پاک اهورامزدا بوده و باید به پرورش و تیمار آنها کوشید اما جانداران درنده مانند گرگ و مار آفریده اهریمن اند و باید به کشتن آنها کوشید. (پورداود، ۱۳۸۰: ۱۷۸)

حیوانات مفید

اهمیت حیواناتی مانند گاو که سهم قابل توجهی در زندگی مبتنی بر دامپروری و کشاورزی داشته اند در متون و قوانین به جای مانده از قرنهای پیش مانند «قانون نامه حمورابی»، توجیه گر فرهنگ اهمیت این گونه حیوانات (مانند گاو و گوسفند) در منطقه بابل در نزدیکی ایران می باشد. در مواد ۲۴۱ تا ۲۵۱ این قانون حتی دیه آسیب رساندن به پا، گردن، چشم، شاخ و دم این حیوان به شکل دقیق توضیح داده شده است. (قانون نامه حمورابی، ۶۸).

اهمیت این حیوان به گونه ای است که حتی در صورت صدمه رساندن به دیگران گاو، آزاری نمی بیند و تنها اقدام، پرداخت جریمه می باشد. در قانون ۲۵۱ چنین آمده است: ((اگر گاو شخصی، شاخ زن بود و انجمن شهر به صاحب گاو فهماند که گاو او شاخ زن است ولی او شاخ های گاو را نپوشاند، [یا] گاو خود را در بند نکرد و آن گاو به عضوی از طبقه اشراف، شاخ زد و او را کشت، او باید نیم مینای نقره بپردازد.)) ("همان": ۶۹).

در متون پهلوی در اهمیت حیواناتی مانند گاو، ارداویراف روان مردی را می بیند که خرفستران همه اعضای بدن وی، بجز پای راست او را می جویدند و سروش اهلو و ایزد آذر علت آن را این می داند که وی با این پای راست، دسته ای گیاه به پیش گاوی ورزا

افکنده است (ارداویراف نامه، ۱۳۸۲: ۷۰). در میان حیوانات مفید، «سگ»، بالاترین جایگاه را در آموزه های هستی شناسی زرتشتی داراست و پیامد این تفکر و نگاه، دستورات فقهی متعدد در کتب فقهی زرتشتی مانند وندیداد می باشد. فرگرد سیزدهم، اختصاص به نحوه ی رفتار با این حیوان دارد (دارمستتر، ۱۳۸۵: ۲۱۱) در نامه دینی اوستا، نگهداری این جانور، تکلیف دینی و کار نیک بوده است.

در روایت پهلوی، مرده ی انواع سگ، به جز روباه، راسو، سگ آبی، همه، همچنان (مرده ی) مردمان دانسته شده است و اینکه مرده این سه (روباه، راسو، سگ آبی) جا، خانه، و مردم را آلوده نکند (روایت پهلوی، ۱۳۶۸: ۵۲). از حیوانات دیگر که در متون زرتشتی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، اسب می باشد (پورداد، ۲۵۳۶: دوجلدی/۲/۱۱).

حیوانات اهریمنی

در باره خرفستران و موجودات پلید و اهریمنی باید گفت، در سراسر اوستا خرفستر به معنی جانور زیان کار به کار رفته و در نخستین فرگرد وندیداد از ۱۶ سرزمین نیک سخن گفته شده که اهریمن بدکنش در هر یک از آنها به پتیارگی (از روی ستیزه)، آسیبی پدید آورد که آسیب سه تا از آنها خرفستران هستند. در کشتن خرفستران اهریمنی، اُتربانان یا موبدان بیش از دیگران مکلف اند، هر موبدی باید برای ادای تکلیف یک چویدستی به نام «خرفسترغن» با خود داشته باشد. ستیزه با پلیدی خرفستر به گونه ای است که کفاره برخی گناهان کشتن خرفستران است. در وندیداد گناه کسی که دانسته به زن دشتان (حائض) نزدیک شود، کشتن هزار مار و دوهزار مار دیگر، هزار وزغ و دوهزار وزغ آبی، هزار مور دانه کش و دوهزار مور دیگر، معرفی می شود (دارمستتر، "همان": فرگرد ۱۸-۷۳).

و نیز کفاره کشتن سگ آبی، کشتن خرفستره اعلام می شود، همچنین فلسفه گناه پراکنده کردن موی چیده شده و ناخن کنده شده پدید آمدن خرفستران و برخاستن دیو معرفی شده است (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۸۹).

در فصل ششم، ارداویراف در توصیف عاقبت گناهان جنسی مردان، این استثنا را بیان می کند که حتی کشتن اتفاقی خرفستران با پا باعث رهایی آن پا از تحمل پادافره دردناک می شود (ارداویراف نامه، ۱۳۸۲: ۸۰). در فصل ۱۴ ارداویراف نامه روان افرادی که بسیار خرفستر کشتند، ستوده شده و نیز در فصل ۱۵، روان شبانان که در گیتی چهار پای و گوسفند را مراقبت کرده و آنها را پرورانده و از گرگ و دزد و مردم ستمکار نگه داشته و

هر وقت موقعش بود به آنها آب و گیاه دادند و ... در روشنی و شادی و رامش دیده شده اند ("همان"، ۶۰-۵۹).

بیامد این دو گرایی کیهانی و اخلاقی، پیدایش دستورات و آداب فقهی متعدد درباره حیوانات اهریمنی و یا مفید است. بازتاب این اندیشه و تفکر را علاوه بر کتب فقهی و متون مقدس زرتشتی می توان در آئین های بازمانده از آن روزگار مشاهده کرد. به عنوان مثال رواج آئین خرفستره سوزی در شب جشن سده تا قرن چهارم هجری قمری حکایت از شدت پایبندی مردم ایران به این آئین در دوره پیشا اسلامی دارد. ابوریحان بیرونی با لحنی انتقادی در باره «جشن سده» می - نویسد که اندر شبش آتش ها زنده، شراب خوردند و شادی کنند و نیز گروهی از حد بگذرند تا به سوزانیدن جانوران ("بیرونی، ۱۳۵۱: ۲۵۷). در آثارالباقیه پس از ذکر آئین کشتن حشرات، این گونه نفرین می کند(خداوند از هر کس که از ایذاء حیوانات غیر موزی لذت می برد انتقام بکشد) (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۵۱).

آئین دیگر در روز جشن اسپندارمذ، کشتار خرفستران بود. از آنجا که فرشته محافظ زمین اسپندارمذ است و اوست که محصولات کشاورزی در معرض آسیب خرفستران را محافظت می کند، این مراسم در چنین روزی انجام می شد (بویس: "همان" ۴۰۸). آئین دیگری که ابوریحان از روزگار خود یاد می کند، «جشنی بوده که در اسپندارمذروز از اسپندارمذماه که اسپندادجشن نامیده می شد، در این روز ادعیه مخصوصی روی کاغذها نوشته و به دیوارهای خانه ها می آویختند تا سراسر سال آن خانه از آسیب خرفستران بر کنار ماند.» (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۵۶-۳۵۵).

از سوی دیگر در فرهنگ رفتاری مردم ایران دوره پیشااسلامی احترام به سگ در حد فوق العاده ای قابل مشاهده است، علاوه بر قوانین و نذیرداد و ملاحظیات بسیار راجع به این حیوان، برخی از محققین زرتشتی توجیه هائی عقلانی برای این عمل عنوان می کنند مانند نظرات پوردادود درباره اهمیت سگ و توانائی های این حیوان و ویژگی های وی مانند وفاداری، اطاعت و مهربانی (پوردادود، ۱۳۸۰: ۲۰۲-۲۱۹).

ولی برخی محققین دیگر مانند بویس علاوه بر توجیه های عقلانی، منطقی و تاریخی درباره احترام به سگ، معتقدند سگ با عالم ارواح پیوند داشته و دیو ها را می راند، به همین دلیل در مراسم بزرگ پاک کردن تن و روان (برشنوم) همیشه سگی حضور دارد و یا اینکه در مورد نعش مرده، مراسم «سگ دید» را به جا می آورند. پس می توان گفت، اهمیت برخی حیوانات مانند سگ، و زیان بار بودن برخی دیگر مانند حشرات و خرفستره تنها با

توجه به نقش این حیوانات در معیشت انسان در آن عصر قابل توجه نیست. بلکه فراتر از اینها پاکی و ناپاکی این حیوانات، مبتنی بر عالم روحانی است و نه عالم مادی. حتی حضور سگ در مراسم «سگ دید» به دلیل وجود نیروهای مافوق طبیعی در این حیوان بوده و بیشتر جنبه آئینی و قدسی پیدا می کند (بویس، "همان": ۴۰۵/۴۱۱/۴۱۲).

۲.۱ طبیعت

این اندیشه که گیتی صحنه نبرد بی امان نیکی که پاکیزگی بخشی از آن است از یک سو و شقاوت که همیشه پاکی را تهدید می کند از سوی دیگر است، هر گونه آلوده کردن آفرینش های بیجان و جاندار را ممنوع اعلام می کند. فلز، عنصری که آسمان از آن است باید همیشه از زنگ زدن پاک باشد و باید بدرخشد فلزات گرانبها را نباید به دست بدکاران سپرد و باید آن را به نیکو کاران داد. زمین باید پاک بماند و با هیچ زباله ای نباید آلوده شود. اما بیشترین احتیاط ها را باید درباره دو عنصر آتش و آب مراعات کرد. مقررات حفاظت دو عنصر مقدس آب و آتش آن قدر پیچیده و دقیق است که بهدینان را از سایر مردم متمایز می کند. وندیداد نسبت به پاک سازی محیط زیست انسان ها سفارش فراوانی دارد بدین گونه که: افراد گورستان های خود را دور از کشتزارها و مراتع حیوانات قرار دهند (وندیداد: ۳۰/۶-۴۱).

- آب

آب از آفریدگان اهورامزدا، باید زلال و پاک نگاه داشته شود. در کلیه قواعد فقهی زرتشتی آنچه ناپاک و نجس است مانند مدفوع یا پارچه آلوده با خون یا مردار، نباید با سرچشمه طبیعی آب مانند دریاچه و نهر و چاه آب تماس پیدا کند. در شایست ناشایست چنین آمده: کسی که به گناهکاری نسایی (مردار) در آب افکند در جای (بیدرنگ)، مرگ‌رزان شود. دستور و نوع و میزان آلودگی آبی که نسا در آن افکنده شده چنین است: سه گام از پیش آب، نه گام بر زیر آب و شش گام از هر سوی آب و شش گام در ژرفای آب و سه گام در آب که بر نسا هست (شایست ناشایست: "همان": ۲۹). برای پاک کردن اشیاء (از جنس طلا) ابتدا با ادرار گاو (گمیز) که حاوی آمونیاک (ماده ضد عفونی کننده) است سپس با خاک و در مرحله سوم با آب باید آن را شست. (وندیداد: ۲۳/۱۹-۲۵) تقدس آب در حدی است که دستها و صورت آلوده نباید مستقیم در آب روان شسته شود (ارداویراف

نامه، "همان": ۵۸) استحمام و سپردن چرک بدن به آب نیز مذموم قلمداد می شود. در فصل ۴۱، ارداویراف روان مردی را می بیند که مدفوع و نسا(مردار) به خوردش می دادند و در پاسخ به پرسش وی، سروش اهلو و ایزد آذر می گوید: ((این روان آن مردم ڈروندی است که بسیار به گرمابه شدند، آنان هیختر (چرک) و نسا به آب و آتش و زمین بردند و (مردمان)، اهلو به آن اندر شدند و ڈروند بیرون آمدند)) ("همان": ۷۳). شاید پیامد همین توصیه های فقه زرتشتی است که یعقوبی در گزارش خود پس از ذکر بزرگداشت آتش نزد ایرانیان(دوره پیشاسلامی)، از مصرف روغن به جای آب برای استنجاء و فقدان حمام در بین آنان یاد می کند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۱۶).

علیرغم توصیه دین زرتشتی به طهارت و پاکی، رفتن به حمام از دید آنان زیر پا گذاشتن رعایت های لازم دو عنصر مقدس آب و آتش را در پی دارد و این نکته حتی در سالیان نخستین حضور اسلام در ایران باعث مرزبندی و تفکیک مسلمانان از زرتشتیان می گردید (روایت امید، ۱۳۷۶: ۱۳۶-۱۳۲).

- آتش

آتش علیرغم مقدس بودن، پاک کننده نیست و هیچ گاه از آن برای تطهیر استفاده نمی شود و تنها از خاکستر و دود آن برای رفع آلودگی استفاده می شود (وندیداد: ۵/۵۱). تقدس آتش نیز تا بدانجاست که شانه کردن موی بر بالای آتش که احتمال افکندن شپش و موی را به همراه دارد، گناه محسوب می شود، پس خرفستران نباید در آتش قرار گیرند ("همان": ۷۱). در فرگرد هشتم از پاداش مردمان برای باز گرداندن انواع آتش ها به آتشگاه ها سخن به میان آمده است. اهمیت اجزای طبیعت به گونه ای است که گوئی دارای روان است و با برخی کارها پلید می شود، به عنوان مثال تخطی از نظام تطهیر زرتشتی و عدم مراعات قواعد دشتان باعث آزردن اجزای طبیعت (آسمان و زمین) و حتی حیوانات می شود. در ارداویراف نامه آمده است، ((و دیدم روان زنانی که دشتان خویش می خوردند و پرسیدم: «این تن ها چه گناهی کردند که روان آنها چنین پادافره گرانی را تحمل می کند؟» سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: «این روان زنانی است که پرهیز دشتان خویش نکردند و آب و آتش و سپندارمذ، زمین، خرداد و مرداد را آزرده و به آسمان و خورشید و ماه نگریستند و ستور و گوسفند را با دشتان آزرده و مرد اهلو را ریمن(ناپاک) داشتند.»)) (ارداویراف نامه، "همان": ۸۶). با توجه به این که در فرایند تغییر الگوی فرهنگی تطهیر ایران از زرتشتی به اسلامی گاهی شاهد تاثیر یک فرهنگ و گاهی تاثیر یک فرهنگ از دیگری، گاهی وقوع

شباهت‌ها و گاهی تفاوتها می‌باشیم و از آنجا که در رویکرد تفسیری و معناکاوانه پژوهش پیش‌رو، زمینه‌های موجود در جامعه‌ی مورد پژوهش در شکل‌گیری فرهنگ جدید بسیار موثر می‌باشد، در اینجا به برخی از موارد شباهت‌ها و تاثیرها اشاره می‌شود: به عنوان مثال در فقه اسلامی توصیه به نشستن میت با آبی که با آتش گرم شده باشد (جناتی، ۱۴۱۱: ۱۵۹) می‌تواند ریشه در احکام فقه زرتشتی در باره آلوده نکردن آب و آتش با چرک و نسا (مردار) داشته باشد (اردویراف نامه، "همان": ۷۳).

شاید طرح سؤال از فقهای مسلمان مبنی بر جواز یا عدم جواز وضو با آبی که با آتش گرم شده، برگرفته از تفکر رایج در میان مردم ایران دهه‌های نخست دوره اسلامی دارد چرا که در سنت به جای مانده زرتشتی تقدس آب و آتش و آلوده نشدن آن تصریح شده و در فرهنگ رفتاری مردم رایج بود. گرچه همه فقهای مسلمان بجز (مجاهد) که آن را مکروه می‌دانند، وضو با چنین آبی را جایز می‌دانند (الطوسی، ۱۴۱۸: ۵۴/۱) و یا در موضوع راههای پاک شدن از آلودگیها می‌توان شباهت راهکار تیمم (در موارد نبود آب) (الشریف المرتضی، ۱۴۱۷: ۱۵۱) و حتی پاک دانستن ادرار پسر بچه در فقه اسلامی با راهکار پاک کردن اشیاء و ظروف در سه مرحله ادرار گاو، خاک و در نهایت آب را مشاهده کرد.

بدیهی است که منظور محقق از ذکر شباهت‌ها اثر‌پذیری فقه اسلام و احکام قرآن از فقه زرتشتی نیست، بلکه منظور آن است که وجود زمینه‌های دستورات فقهی در ایران دوره پیشااسلامی مسیر پذیرش نسبتاً سریع احکام فقه اسلامی را هموار کرد. عدم مقاومت مردم ایران در برابر الگوهای فرهنگی تطهیر اسلامی، می‌تواند به دلیل سابقه ذهنی مردم ایران و نیز منطقی و عملی دانستن آن قواعد بوده باشد.

۳.۱ اشیاء^۱

از جمله آلوده‌کننده‌های اشیاء، زن دشتان و هر گونه نسا (مردار) می‌باشد به عنوان مثال در باره حکم دری که نسایی به آن برخورد کند چنین است: اگر دروازه ده و شهرستان باشد، می‌توان آن را به همان منظور به کار برد. درباره در بیرونی خانه همداستان بوده‌اند. اگر در بیرونی خانه باشد، «نیوگشسب» گفته است که آن را برای همان کار می‌توان گذاشت چه شاید (مجاز است) و سوشیانس گفته است که نشاید و در باره دیگر درها همداستان بوده‌اند که (برای همان کار) نشاید. (شایست ناشایست، "همان": ۲۸)

در ادامه می نویسد: در مستراح را به آن (در) خانه دشتان (جای اقامت زنان قاعده) می توان به کار برد و آن (در) خانه دشتان را به عنوان در دخمه می توان به کار برد و در دخمه را برای هیچ چیز به کار نشاید برد. از جمله اشیاء دیگر سنگ است که در تماس با جسد مرده آلوده می شود. و سنگی که نسا بر آن قرار می گیرد باید شسته شود. سرگین و خاکستر نیز در تماس با اندام زن دشتان آلوده و ریمن می شود "همان": ۱۳-۱۱). در روایت امید آلوده ساختن آب باران با البسه دوران حیض گناه است (روایت امید اشوهیشتان، "همان": ۲۰۳).

از جمله اماکن ناپاک، حمام مسلمانان اعلام شده است چرا که در دین (مسلمانان) قوانین شرعی جهت حفظ و حراست آب و آتش از مدفوع و مواد ناپاک منظور نگردیده است ("همان": ۱۳۵). به همین علت پیروان ادیان مختلف هر کدام طبق آداب و سنن خود حمام جداگانه ای داشتند که ورود افراد متفرقه را ممنوع می کرد. (سعیدی، ۱۳۹۰: ۳۲۱/۳) در پرسش ۱۶ روایت امید در باره البسه نخی و نسوج پنبه ای، مویی و پشمی که حاوی فضولات بدنی شخص وفات یافته است صحبت شده است و پاسخ آن بدین گونه می آید آن قسمت که مستقیم با جسد مرده تماس نداشته پاک و بقیه باید بریده و جدا شود. (روایت امید اشوهیشتان، "همان": ۸۵) در وندیداد برای تطهیر فرآورده های چوبی در تماس با مردار مانند تابوت و هیزم مقررات خاصی وضع شده (وندیداد، ۲۸۷-۳۱)، در تطهیر ظروف و پوشاکی که با مردار تماس یافته اند عامل تعیین کننده جنس آنهاست .

تعمق در متون زرتشتی به جای مانده و تأکید بسیار زیاد فقه زرتشتی بر پاکیزگی و جنبه قدسی یافتن نظام تطهیر در ایران دوره پیشاسلامی، زمینه توجه بیشتر به ساز و کار تطهیر را برای ایران دوره اسلامی ایجاد کرد. به گونه ای که در فقه اسلامی بخش پاکی ها و ناپاکی ها در صدر مسائل مبتلا به زندگی آدمیان در دستور کار قرار گرفته و فرهنگ رفتاری ایرانیان نیز بازتاب پذیرش الگوی تطهیر اسلامی بوده (مطهری، بی تا: ۷۵) به گونه ای که توجه به آب و سازه های آن در کتب مورخین جغرافی نگار موج می زند.

به عنوان نمونه جغرافی نویسانی مانند ابن حوقل و مقدسی در هر سرزمینی که می گذرند از رودها، جوی ها، قنات ها، کاریزها، حمام ها، آب خوری ها و آبریزگاههای شهر سخن می گویند. این میزان توجه به آب و سازه های آبی و نگارش و ثبت آنها در کتب جغرافی نگاران مسلمان سده های نخست، علاوه بر تایید فراوانی آنها در همه شهرهای اسلامی از ترکیب فرهنگ طهارت اسلامی و آیین های پادپایی زرتشتی خبر می دهد. به

نظر می‌رسد وجود پس‌زمینه فرهنگ تطهیر زرتشتی که به پاکی اهمیت می‌داد و فقه اسلامی نیز که با نگاهی متعادل زندگی همراه با بهداشت را به پیروان خود عرضه می‌کرد؛ منشا ایجاد سازه‌های آبی متنوع، با معماری بی‌نظیر در ایران گردید. به گونه‌ای که پس از گذشت سالیان و قرن‌ها این بناها جزء میراث باستانی ایرانی محسوب می‌شود.

۴. مفهوم پاکی و ناپاکی در دین اسلام

برای تبیین تفاوت الگوی فرهنگی تطهیر در ایران دوره‌ی اسلامی و دوره‌ی پیش از آن می‌بایست به تفاوت فلسفی مفهوم پلیدی و پاکی در آیین زرتشتی و دین اسلام پرداخت. زیرا همان‌گونه که شرح آن رفت نگاه ثنوی و دوآلیستی زرتشتی و شر محض دیدن برخی از پدیده‌های هستی مانند مرگ، خرفستران، خون و دشتان باعث وضع قوانین بسیار سختگیرانه‌ی فقهی گردید. پیامد این قوانین در جامعه‌ی زرتشتی ایران، رواج مناسک و آیین‌های خاص تطهیر و در یک کلام الگوی فرهنگی خاص گردید که در مطالب فوق‌الذکر به برخی از آنها اشاره شد.

در این جا نیز به دنبال تبیین الگوهای فرهنگی تطهیر دوره‌ی اسلامی ابتدا به تشریح دیدگاه اسلام در باره‌ی خیر و شر، پلیدی و پاکی پرداخته‌انگاه با اشاره به برخی از احکام فقهی اسلام در این باره و با بررسی نمادها و سازه‌های مربوط به فرهنگ تطهیر (مانند حمام‌ها، فئاتها، کاریزها و آبریزگاهها) در صدد فهم فرهنگ رفتاری مردم ایران برآمده تا از خلال آن تحول فرهنگی پیش‌آمده باز‌نمایی شود.

در راستای درک مفهوم خیر و شر (پاکی و ناپاکی) بیان چند مقدمه ضروری به نظر می‌رسد:

در کلام اسلامی

الف- ماهیت شرور عدم است، پس آنچه شر است از نوع هستی نیست تا آفریده خدا باشد بلکه نیستی است.

ب- شرور نسبی هستند و خوب (خیر) و بد (شر) بودن هر امری وابسته به یک سلسله شرایط است. با پذیرش مقایسه‌ای بودن بدی‌ها و خیرها، بدها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- شریایی که خود امور عدمی هستند مانند نادانی، فقر و ناتوانی‌ها.

۲- شریایی که خود امور وجودی هستند، اما از آن جهت بد هستند که منشا یک سلسله امور عدمی اند، مانند سیل، زلزله، حشرات گزنده و میکرب بیماریها. بدون شک بدی اینها نسبی است مانند زهر مار. طبق قول فلاسفه اسلامی شرور بالذات مورد تعلق آفرینش قرار نمی گیرند، پس شرور امور اعتباری و عدمی هستند و آفریننده ای ندارند.

ج- خیرات و شرور تفکیک ناپذیرند، در طبیعت خوب و بد چنان با هم سرشته اند که گویی با هم ترکیب شده اند و این گونه نیست که رده معینی از اشیا ماهیت پلید و بد داشته باشند. در ضمن شروری که از نوع عدم اند مانند فقر و نادانی به علت نقصان قابلیت قابل است نه امساک فیض خداوند.

د- قسمتی از شرور پدید آورنده و یا مقدمه ی خیرات هستند و در شکم گرفتاری ها و مصیبت ها نیک بختیها نهفته اند. سپیدی ها از سیاهی ها زاییده می شوند. «فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا» انشراح، آیه ۵۴ (قرآن کریم، انشراح/۵-۴)، با هر سختی آسانی است آری بعد از هر سختی آسانی است (مطهری، همان: ۸۱-۱۶۲/۷۶-۱۴۱). پس از این توضیح مختصر به بررسی دیدگاه اسلام در باره پاکی و پلیدی حیوانات، طبیعت و اشیاء می پردازیم:

۱.۲ حیوانات

با دیدگاه هستی شناسانه فوق، تمامی مخلوقات خداوند، مفید و ثمربخش بوده و هیچ کدام، زیان بار و اهریمنی شناخته نمی شوند، حتی خزندگان چون مارها و عقرب ها بسیار سودمند بوده و وجودشان برای طبیعت و انسان، ضروری است. معرفی برخی حیوانات به عنوان حرام گوشت، به دلیل زیان های جسمی و روحی پدید آمده از مصرف آنها می باشد. علی رغم نجس دانستن سگ و خوک در فقه اسلامی، جوازی برای آسیب رساندن به این حیوانات، داده نشده است. حتی رسیدگی و تغذیه و تیمار زخم ها و شیر دادن به نوزاد آنان، عملی پسندیده محسوب می گردد.

قبل از ورود به بحث حیوانات تذکر این نکته ضروری است:

با توجه به اینکه الگوهای فرهنگی تطهیر اسلامی را متون دینی و واکنش مردم در قبال آن می سازد مراجعه ی مختصر به پاکی ها و پلیدی ها از دیدگاه فقه اسلامی مفید به نظر می رسد: فقهای مسلمان نجاسات را شامل موارد ذیل می دانند:

۱- سگ، ۲- خوک، ۳- مردار، همه مذاهب بر نجاست مردار حیوانی که خون جهنده دارد متفق اند، ۴- خون، بین مذاهب اسلامی تنها در مورد دو خون اختلاف نظر هست:

خون شهید و خون قلیل ۵- منی، ۶- کافر (الموسوی الخمینی، بی تا: ۱۲۸/۱)، اما مذاهب اسلامی چهارگانه معتقد به پاکی کافر کتابی خواه مسیحی یا یهودی یا مجوسی هستند، ۷- القیح، ۸- قی (استفراغ)؛ امامیه آن را پاک و چهار مذهب آن را نجس می دانند. ۹- مدفوع و ادرار انسان، ۱۰- مواد سکرآور مایع، ۱۱- فضله حیوانات حرام گوشت، ۱۲- مدفوع حیوان نجاست خوار (الطوسی، "همان": ۵۶-۴۹).

همچنین فقها پاک کننده ها را شامل: ۱- آب، ۲- خورشید، ۳- استحاله، ۴- زمین، ۵- آتش، ۶- دباغی کردن، ۷- حلاجی و زدن پنبه، ۸- سفید کردن فلزات مانند مس می دانند. آنان طهارت شرعی را به دو دسته تقسیم می کنند، طهارت از حدث و طهارت از خبث. پاکی از حدث از سه راه وضو، غسل و جایگزین آن دو تیمم انجام می شود ("همان": ۶۹-۶۳). غسل ها در شریعت اسلامی به واجب و مستحب تقسیم می شود: غسل های واجب مانند جنابت، حیض، نفاس و میت و غسل های مستحب که برای اعیاد و روزهای شریف توصیه شده اند. ("همان": ۱۴۱).

از جمله توصیه های دینی اسلام در مبارزه با پلیدی، سفارش حضرت رسول است که: (انگشتی که انگشتی آهن در آن است پاک نیست). (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱۶۷/۱). در روایتی دیگر امام صادق (ع) ناخن گرفتن و کوتاه کردن شارب (آب خوره سبیل) از جمعه تا جمعه دیگر را وسیله رهایی از بیماری جذام معرفی می کنند ("همان": ۳۰/۱). در جای دیگر امام صادق (ع) توصیه به شستن دندان با سعد (نوعی عطر) کرده اند ("همان": ۵۱/۱). در مقایسه با سختگیری شدید فقه زردتشتی درباره مردار و اینکه در برخی کتب آنها حتی از حکم افتادن سایه مزدیسنی (زرتشتی) بر جسد و آلوده نشدن تن او سخن می رود (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۶۷). در فقه اسلامی ده چیز از مردار پاک اعلام می شود. امام صادق (ع) ده چیز را از مردار پاک اعلام می کنند: استخوان، موی، پشم، پر، شاخ، سم، تخم، شیردان، شیر، دندان و البته در همان جا خوردن ده چیز از اندامهای گوسفند را جایز نمی دانند: ((سرگین، خون، سپرز مخ حرام (که در مهره های پشت است، غده ها، نری، زهدان، شاهرگهای زننده ی عروق (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۱/۲)، و بر خلاف بسیاری از آموزه های دینی متداول آن روز اسلام بر تراشیدن موهای زائد بدن بسیار تأکید کرده از جمله در روایتی که: «مؤمن نباید بیش از چهل روز تأخیر کند و اگر تیغ نیافت باید برای زایل کردن وام کند.» ("همان": ۱۴۷/۲).

در ادامه پس از ذکر دسته ای از روایات که اهمیت این حیوانات را یادآوری می کند، احکام فقهی سده های نخست را که پایه ی فرهنگ رفتاری مسلمانان ایرانی را شکل می دهد، یادآور می شویم.

در الگوهای فرهنگی تطهیر در بخش مربوط به حیوانات، شاهد دو گونه واکنش هستیم:

۱- تغییر در الگوهای رفتار: که شامل برخورد با دو حیوان (سگ و خوک) می باشد. به ویژه در باره ی سگ که در کتاب وندیداد در حد قداست به این حیوان توجه شده و به عکس، در فقه اسلامی، نجس دانسته شده، بدیهی است مطابق متن جدید(قرآن) واقعیت های اجتماعی و فرهنگی و برخورد مردم مسلمان ایران با این جانور تفاوت می کند. به نظر می رسد دیر زمانی می گذرد تا فرهنگ رفتاری مردم ایران در باره حیوانی مانند سگ از قداست به نجس بودن تغییر کند. به عنوان مثال احترام به این حیوان در حدی است که کيفر قتل انسان و سگ در یک ردیف دانسته شده و حتی قواعد تطهیر در باره لاشه ی سگ و مرد آشه یکسان در نظر گرفته می شود. (رضی، "همان": ۳۷۱-۳۷۰).

وقتی متون زرتشتی را با عقاید فقهی اسلام در این زمینه مقایسه می کنیم، متوجه کشمکش و درگیری فاتحان مسلمان و مردم ایران در سالهای نخستین فتوح می شویم. در فقه اسلامی سگ جانوری ذاتا نجس معرفی می شود، طبیعی است این حکم در اولین مرحله، پرهیز از سگ را الگوی رفتاری یک مسلمان اعلام می کند. گرچه در نگاه فقهی اسلام، سگ نیز مانند هر جانور یا گیاه دیگر باید مراقبت شده و آزاری نبیند ولی به هر حال حقوق و جایگاه انسان و حیوانات در اسلام متفاوت می باشد. مری بویس آزار سگ را وسیله ای برای آزار زرتشتیان معرفی کرده، معتقد است در اسلام اولیه سراغی از خصومت مسلمانان امروز نسبت به سگ نمی بینیم. و احتمال می دهد که بد رفتاری با سگ (همانند دور انداختن کستی و تف کردن در آتش) نشان ظاهری نومسلمانی قلمداد می شد (بویس، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

در اهمیت حیوانی مانند سگ، امام صادق(ع) در روایتی از قول امام علی(ع)، دبه ی سگ شکاری را ۴۰ درهم اعلام می کنند. (ابن بابویه، "همان": ۱۴۸/۲). اما علی رغم اهمیت مزبور، ضمناً این حیوان، نجس العین و نجس اللعاب(آب دهان) معرفی شده و باقیمانده ی غذایش یا نیم خورده ی آن نیز نجس می باشد(به استثنای مذهب مالکی). (الطوسی، "همان": ۱۷۶/۱)، (الشریف المرتضی، "همان": ۸۱/۱ و ۱۰۰) و(جناتی، "همان": ۴۹).

پوست مردار، نجس است ولی با دباغی، پاک می شود به استثناء پوست سگ و خوک. و در

حکمی کلی تر آمده است: کلیه اجزاء بدن حیوان مرده مانند پشم، پر، مو، استخوان، شاخ، دندان و شیر، پس از شستن، قابل استفاده می باشد. (الطوسی، "همان": ۶۷/۱-۶۰). (گرچه نماز گزاردن با اجزاء مردار جایز نیست). در حکمی دیگر چنین آمده: وقتی سگی، ظرفی را بلیسد، واجب است اهراق آنچه در آن است و شستن ظروف، سه مرتبه می باشد که یکی از آنها خاک است.^۲ ("همان": ۱۷۵/۱ و ۱۸۶).

همه ی فقهای مذاهب اسلامی، حکم خوک را مثل سگ می دانند مگر امامیه که قائل به وجوب شستن ظرفی که خوک لیسیده، آن هم ۷ بار، می باشند (جناتی، "همان": ۴۹). شریف مرتضی برای شستن ظروفی که با آب دهان سگ و خوک آلوده شده اند، تعداد معینی را ذکر نمی کند و معتقد است باید آنها را در حدی که یقین به پاکی و نظافتشان پیدا کنیم بشوییم. ولی امامیه سه مرتبه را ضروری می دانند که حتی الامکان یکی از آنها با خاک است (الشریف المرتضی، "همان": ۱۰۳). اشتراک در این مسئله با فقه زرتشتی بسیار جالب است.

در پایان این بخش به نظر می رسد، فرهنگ رفتاری مردم ایران در ارتباط با سگ دستخوش تحول گردید، چرا که تغییر در شیوه های معیشت در دوره ی بعد از اسلام و رونق یافتن تجارت از اهمیت این موجود که در معیشت مبتنی بر دامپروری و کشاورزی بسیار زیاد بود کاست. این گونه و به تدریج مردم ایران از این حیوان فاصله گرفتند. دلیل این مدعا برخی از بندهای فرگرد سیزدهم و نوزدهم می باشد که این میزان اهمیت سگ را برای حفاظت از گله و مزرعه بیان می کند و در عین بیان اهمیت چنین می نویسد: «در صورتی که این حیوان گوسفندی را پاره کرد یا انسان را زخمی کرد به مجازات هایی مانند بریدن گوشها، بریدن پاها و دم محکوم می شود» (دارمستتر، "همان": ۲۱۸-۲۱۷).

گروهی دیگر از حیوانات که با برخورد متفاوت روبرو میشوند، حشرات یا خرفستران می باشند که مطابق فقه زرتشتی بسیار پلید و اهریمنی دانسته شده، در حالی که در متون اسلامی، این گونه نیست. به عنوان مثال: در حالی که در اسلام، پشه، سوسک سیاه و زنبور، نه تنها نجس نیستند بلکه با مرگ هم نجس نمی شوند (مانند همه حیوانات فاقد خون جهنده) و حتی آبی که حشره ی مرده در آن بیفتد نیز، پلید محسوب نمی شود. (الطوسی، "همان": ۱۸۹/۱-۱۸۸). در مسئله ی ۱۴۶ نیز آمده است که حتی وقتی در آب قلیل، قورباغه و ماهی یا شبیه آن بمیرد که گوشت آن خورده نمی شود و در آب زندگی میکند، آب، نجس نمی شود.

۲-تداوم در الگوهای فرهنگی، شامل حیوانات حلال گوشت، که هم برای تغذیه و هم باربری و شکار، مورد استفاده قرار می گرفتند. گرچه بازمانده ی سنت های ادیان شرقی در ایران، استفاده از گوشت گاو را محدود می کرد. به نظر می رسد در پذیرش الگوی فرهنگی حیوانات حلال گوشت، مردم ایران(به دلیل منطقی دانستن آن) مقاومت خاصی نکرده اند.

بتدریج با نیرو گرفتن دولت نوپای اسلامی در ایران بعد از طرح موضوع حیوان حلال گوشت، نحوه ی ذبح حیوان، مطلب بعدی بود که با نظارت دولت اسلامی، کشتار شرعی نیز جزء فرهنگ رفتاری مردم ایران درآمد.

۲.۲ طبیعت

بحث بعدی مطرح شده در نظام تطهیر، موضوع «طبیعت» می باشد که شامل احکام مربوط به زمین، آب، آتش و ... می باشد.

در این موضوع نیز شاهد چند واکنش ذیل می باشیم:

تغییر: یعنی مفهوم قداست آتش، تغییر یافته و نقش خود را تنها به عنوان یکی از پاک کننده ها باز می

یابد. شاید تنها حکم فقهی مرتبط با این موضوع، کراهت شستن میت با آبی است که با آتش، گرم شده باشد. (جناتی، "همان":۱۵۹) و احکام سخت گیرانه ای مانند دور بودن زن دستان از آتش و حتی نگاه نکردن به آن تغییر یافت (روایت آذرنیغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۰) و(اوشیدری، ۱۳۷۴: ۲۸۱).

تداوم: یکی دیگر از عناصر طبیعت، آب می باشد. واکنش پدیدآمده در این مورد، «تداوم» همراه با اصلاح می باشد.

آب به عنوان یکی از پاک کننده ها در الگوهای رفتاری مردم ایران دوره ی پیشا اسلامی، شناخته شده، شاید تنها تفاوت در میزان و شکل آلوده شدن این عنصر پاک کننده باشد. در فقه اسلامی، راه پاک کردن اشیاء نجس، در صورت وجود آب، منحصر به آن است و در صورت نبود آب، از خاک هم می توان استفاده کرد(در تیمم) (الشریف المرتضی، "همان":۸۱) در حالیکه در فقه زرتشتی، شستشوی با ادرار گاو و خاک مالی کردن، دو مرحله مقدماتی برای شستشوی با آب، معرفی می شود.

در فقه اسلامی اگر نجاست در آب کثیر افتاد، آب نجس نمی شود، مادام که یکی از اوصاف آن تغییر نکند. ("همان": ۶۸) پس در فقه اسلامی، آب و خاک، هردو پاک کننده معرفی می شوند.

شاید ارایه ی این حکم که «خوردن آنچه آتش آن را لمس کرده، وضو را باطل نمی کند (لطوسی، "همان": ۱۲۲)، در پاسخ به سوالی برآمده از متن جامعه ی ایرانی سده های نخست اسلامی باشد که هنوز بار برخی از باورهای گذشته ی زرتشتی خود را بر دوش می کشد.

در الگوی تطهیر اسلامی بحثی به نام نیت که شرط صحت ("همان": ۱۰۳) وضو، تیمم و بسیاری از اعمال دیگر معرفی می شود، شستشو را به یک آیین و مناسک تبدیل می کند. نیز استحباب تسمیمه (بردن نام خداوند) هنگام طهارت، (الشریف المرتضی، "همان": ۲۴) و (جناتی، "همان": ۱۹۷) اعمال تطهیر را در فضایی قدسی قرار می دهد.

این نکته دقیقاً مشابه تحلیل های مری بویس (بویس، ۱۳۷۴: ۴۰۵) در باره ی آیین های پادپایی و طهارت زرتشتی است. زیرا وی هم معتقد به قدسی و آیینی بودن آن رفتارها و کنش هاست.

بنابراین می توان گفت که؛ ایران جامعه ای دینی بود که با نهادهای دینی اداره می شد، رواج آیین ها و مناسک عبادی زرتشتی زمینه ساز پذیرش احکام دینی اسلامی و نیز الگوهای تطهیر اسلامی گردید به گونه ای که پس از زمانی اندک احکامی مانند وضو، غسل و تیمم به راحتی در واقعیت های زندگی مردم پذیرفته شده و به هنجار و فرهنگ آنان تبدیل شد. وجود غسل های مستحب جمعه، اعیاد بزرگ (لطوسی، "همان": ۷۲) و روزهای خاص، مسلمان را در فرهنگی از طهارت با آب قرار می دهد که قابل مقایسه با فرهنگ های دینی دیگر نیست. این فرهنگ منجر به پیدایش و ساخت حمام ها، کاریزها و قناتها گردید. به گونه ای که در عصر فتوحات پس از ساخت مسجد به عنوان مرکزیت سیاسی و دینی، حمامها نمادی از الگوی تطهیر اسلامی بود و علی رغم تنوع اقلیم هم در منطقه ی شرقی خلافت هم در غرب اسلامی قابل رویت بودند. جغرافی نگاران مشاهدات خود از بناهای مربوط به الگوی فرهنگی تطهیر را این گونه بیان می کنند:

ابن حوقل در عبور از شهرهای ایران ضمن اشاره به رودها، جوی ها و رودخانه های استانها و شهرهای آن، در باره ی نحوه ی تامین آب شرب و نیز کشتزارها توضیح می دهد.

یکی از نمادهای فرهنگ تطهیر، حمام‌ها می‌باشند (گرچه در مقاله‌ی پیشین گزارشات مورخین در باره‌ی حمام‌ها آورده شد) در اینجا نیز به تعدادی از این‌ها اشاره می‌شود: ابن حوقل در توصیف حمام شهر تقلیس می‌نویسد: این شهر مرزی و پر دشمن است و گرمابه‌هایی چون گرمابه‌های طبریه دارد با آبی گرم، بی آنکه آتش روشن کنند (طبیعی) است. (ابن حوقل، ۱۳۴۰: ۸۹) و (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۵۸) نیز شهر سمرقند، مرو و اصفهان که دارای گرمابه‌های متعدد می‌باشند. (ابن حوقل، "همان": ۱۷۱ و ۲۲۰).

مقدسی نیز در جای‌جای گزارش خود از فرهنگ تطهیر و بهداشت در ایران قرن چهارم سخن می‌گوید. از وجود کاریز در شهرهای طایران، کوفن، طبس خرما، تون (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۷ و ۴۷۱-۴۷۰) و در باره‌ی نیشابور می‌نویسد: «آبشان فراوان است ولی در نیشابور کاریزها دارند که در زیرزمین رواند و در تابستان سرد هستند، با پایین رفتن از چهار تا هفتاد پله به آن می‌رسند. و در کوچه‌ها می‌گردند» ("همان": ۴۸۱).

۵. زمین

یکی دیگر از عناصر مهم طبیعت که در فقه زرتشتی پاک و در فقه اسلامی از پاک‌کننده‌ها محسوب می‌شود، زمین می‌باشد. فقه اسلامی در این مورد به توسعه‌ی مفهوم پاکی و ناپاکی پرداخته، واکنش رفتاری مردم ایران در این زمینه تداوم همراه با تعمیق و تثبیت می‌باشد. در احکام فقهی چنین آمده: «اگر نجاستی مانند ادرار به زمین برسد و خورشید بر آن بتابد و باد بر آن بوزد تا آنکه عین نجاست مرتفع شود، پاک می‌گردد و سجده بر آن جایز می‌شود و تیمم با آن خاک نیز جایز می‌شود گرچه با آب شسته نشود» شافعی نیز همین را می‌گوید. (الطوسی، "همان": ۲۱۸/۱). بنابراین در الگوهای رفتاری مردم قداست زمین به عنوان پیش‌زمینه وجود داشت و فقه اسلامی زمین را نه تنها به عنوان «پاک» بلکه به عنوان «پاک‌کننده» معرفی کرد. از این رو در احکام فقهی چنین آمده: «واجب است که تیمم با خاک یا از جنس آن مثل سنگها باشد و داشتن غبار لازم نیست» ("همان": ۱۳۴). بنا براین تیمم با گچ، زرنیخ، و سرمه، معادن دیگر و زمینی که از آن حشیش می‌روید جایز نیست. الشریف المرتضی، "همان": ۱۵۱) و (الطوسی، "همان": ۱۳۴ و ۱۳۶) استنحاء با سنگها و غیر سنگها آنگاه که پاک‌کننده غیر خوراکی باشد مثل چوب و مدّز (سنگریزه یا شن) جایز است ("همان": ۱۰۶).

شاید توصیه ی پیامبر اکرم (ص) به «ختنه ی فرزندان پسر در روز هفتم ولادت فرزند به این دلیل که زمین تا چهل روز از ادرار ختنه نشده پلید می گردد» (ابن بابویه، "همان": ۱۴۸)، نوعی از احترام به زمین مشابه آنچه در احکام فقهی زرتشتی ملاحظه می شود را به ذهن متبادر سازد.

۳.۲ اشیاء

در بخش بعدی به بررسی الگوهای فرهنگی مرتبط با تطهیر اشیاء می پردازیم، رویکرد متون فقهی اسلامی "محدود سازی مفهوم پلیدی اشیاء" می باشد و طبیعی است که فرهنگ رفتاری جامعه ی نو مسلمان ایرانی بر آمده از این متون می باشد.

در باره ی روش پاک کردن اشیا نجس، فقه اسلامی در شرایط وجود آب، تنها آب را پاک کننده می داند در صورت نبود آب، کاربرد خاک را نیز جایز می داند.

شیخ طوسی به کار بردن ظروف طلا و نقره را مکروه می داند. در مساله ۱۶ نیز استفاده از ظروف مشرکین از اهل ذمه را جایز نمی داند. اما شافعی به کارگیری آن را مادامی که در آن نجاستی یافت نشده بدون اشکال می داند. احمدبن حنبل و اسحاق نیز استعمال آن را جایز نمی دانند.

محمد بن مسلم از اباجعفر (ع) در باره ی ظروف اهل ذمه و مجوس پرسیدم، گفتند: «در ظرفهای آنها و از غذاهایی که می پزند و نیز در ظرفی که مشروب می نوشند، نخورید» (الطوسی، "همان": ۷۰-۶۹).

در باره ی نجس شدن لباس نیز حکم چنین است: وقتی نجاست به لباس رسید و با آب شسته شد، اگر غسله ی اول به لباس دیگر یا به بدن رسید، غسله آنجا را نجس می کند و اگر غسله پس از شستشوی دوم جدا شود شستن لباس یا بدن واجب نیست مگر آنکه خصوصیات شیء عوض شده باشد و نجاست در آن دیده شود. ("همان": ۱۷۹).

این حکم و مقایسه آن با حکم فقه زرتشتی که معتقد به بریدن و جداکردن بخش آلوده ی البسه بود (روایت امید اشوهیشتان، "همان": ۸۵)، روند محدود سازی مفهوم پلیدی را نشان می دهد.

در پلیدی خون، فقه زرتشتی و فقه اسلامی مشترکند اما روشهای پاکی در فقه اسلامی آسان تر می باشد. در مسایل مربوط به حیض زنان و آلودگی احتمالی اشیاء و البسه قوانین سهل گیرانه ای وجود دارد به گونه ای که حتی قرائت قرآن برای آنان جایز است فقط،

دست کشیدن بر خطوط قرآن جایز نیست. (قرآن کریم: واقعه/۷۹) و (الموسوی الخمینی، "همان": ۱/۵۰-۴۹).

حکم فوق نیز روند محدود سازی مفهوم پلیدی را در فرهنگ اسلامی نشان می دهد. در مقایسه با قوانین بسیار سخت گیرانه ی فقه زرتشتی مانند آنکه: زن دشتان از فعالیت های معمولی مانند طبخ غذا، نزدیک شدن به آتش و حتی ارتباط با همسر و فرزند منع شده، (اوشیدری، "همان": ۲۸۱). نیم خورده ی زن دشتان، سخن گفتن مرد با وی، نگاه زن دشتان به آسمان، خورشید و ماه، دست زدن به درخت (روایت آذرفرنبغ فرخزادان، "همان": ۱۱۱-۱۱۰) و حتی آلوده ساختن آب باران با البسه ی دوران حیض، گناه تلقی شده، (روایت امید اشوهیستان، "همان": ۲۰۳ و ۲۰۹) ارائه ی قوانین سهل گیرانه ی فقه اسلامی روند محدود سازی را نشان می دهد و به طور قطع پذیرش قوانین منطقی اسلام برای زنان ایرانی قابل قبول تر بوده و به زودی به فرهنگ رفتاری آنان مبدل می شد.

۶. نتیجه گیری

بنابراین پس از ورود اسلام به ایران و تبیین چارچوب های اصلی دین، کنش گران، تعالیم دین اسلام (در زمینه پاکی و ناپاکی) را با شرایط تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و شیوه زندگی خود، در برخی موارد سازگار یافته و با آمیختن آموزه های دین جدید با فرهنگ پیشین، فهم خود را به شکل رفتاری (اعم از تغییر، تداوم، محدودسازی)، نشان داده و این همان خلق معنای جدید و فرهنگ جدید است. نویسنده معتقد است، آفرینش فرهنگ ترکیبی اسلامی - ایرانی در موضوع تطهیر، نتیجه این فرایند بوده است.

پی نوشت ها

- برش نوم: شامل سه دوره ی شستشو با گمیز، خاک و آب است و با جدایی نه شبه ادامه می یابد. این شست و شو از سر تا پا انجام می شود و هدف آن پاکسازی افراد آلوده شده به تماس با مردار یا خارج شدن از ایام قاعدگی است. (وندیداد: ۳۵/۸: ۷۲)، لازم به ذکر است که مراسم پادبایی برش نوم در مکانی به نام "برش نوم گاه" انجام می شد. در این مکان که باید بی سقف باشد، در حضور دو موبد فرد آلوده باید از نه (۹) گودال عبور کرده و از یکی به داخل دیگری برود. اطراف این محوطه را هم شیارهایی ترسیم می کردند تا نجاست در آن محصور بماند.

- (بویس، ۱۳۷۴، ۴۳۰ و ۴۲۱). در این مراسم که توسط مرد اشه انجام می شود، فرد آلوده، ضمن شستشوی خود به ترتیب با پیشاب گاو، خاک و آب، در نوعی قرنطینه قرار می گیرد.
- اصطلاح «الگو» بر مجموعه‌ای از روشهای رفتار که در درون فرهنگی خاص با یکدیگر در ارتباطند، دلالت می کند. الگوهای فرهنگی به رفتار انسان، ثبات، معنی و جهت می بخشد و در ضمن هر ملت و گروهی را از سایر ملل و گروه‌ها متمایز می سازد. نک: محمدی، «الگوهای فرهنگی»، *مجله فرهنگ، ویژه نامه علوم اجتماعی*، کتاب نهم (تابستان ۱۳۷۰)، ش ۶۴۲، صص ۱۶۴ - ۱۶۰.
- **مرگ ارزان**: یعنی مستحق و سزاوار مرگ. در آیین زرتشتی هرگاه فردی گناه بسیار بزرگی مرتکب شود، این گناه موجب کشتن وی می گردد.
- ورود اسلام به ایران نه تنها در شیوه های زندگی مردم تغییر ایجاد کرد بلکه در تفکر و عقاید ایرانیان نیز تحول ایجاد کرد، بنا به گفته استاد مطهری "تنها اسلام بود که توانست پندار ثنویت را از ذهن ایرانی خارج کند". نک به مطهری، *عدل الهی*، ص ۷۵.
- عده ای از مراجع اخیر، مطلق کافر را پاک دانسته اند. نک به: الموسوی الخمینی، *التحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۱۲۸.
- آیین سگ دید بدین گونه است که چندین بار سگی را بالای سر مرده می برند تا به او خیره شود، زیرا نگاه سگ باعث باز داشتن دیوان می شود. (وندیداد: ۳/۷) در باره انواع سگ و ویژگی های عمل «سگ دید»^{۱۳} نکاتی ذکر شده است. (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۸). هنگام دفن مرده (نسا) و نیز در آداب پادیابی برشونوم، بایستی سگی، ناظر بر آیین های فوق باشد. بویس، *تاریخ کیش زرتشت*، ص ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۰۵.
۱. قبلا و طی مقاله ای مستقل در باره زن دشتان و مقررات مربوط به وی و نیز هدر، سخن گفته شده است ص ۱۴۶-۱۴۸. خون، مو، ناخن و دشتان، هدر یا هخر محسوب شده و نسا نمی باشد.
۲. همان، ج اول، ص ۱۷۵، مسئله ۱۳۰ و همچنین ص ۱۸۶، مسئله ۱۴۳ در باره خوک.
۳. هنگام دفن مرده (نسا) و نیز در آداب پادیابی برشونوم، بایستی سگی، ناظر بر آیین های فوق باشد. بدین گونه: از راهی که می خواهند مرده ی انسان یا سگی را عبور دهند، باید سه بار سگ زرد چهارچشم و یا سگ زردگوشی را عبور دهند تا دیو نَسو که به شکل یک مگس کثیف در کمین است به سوی شمال فرار کند... به نقل از رضی، *دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت*، ص ۳۵۸.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن بابویه (صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، (۱۳۶۲). *خصال*. ترجمه مدرس گیلانی، تهران، انتشارات جاویدان.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، (۱۳۴۰). *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- *اردویراف نامه*، (۱۳۸۲). متن پهلوی، حرف نویسی و واژه نامه فیلیپ ژینیو، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران، انتشارات معین - انجمن ایرانشناسی فرانسه.
- اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، (۱۳۴۰). *مسالك و ممالک*، ترجمه ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۴). *دانشنامه مزدیسنا*، تهران، نشر مرکز.
- برگ، پیتز، (۱۳۸۹). *تاریخ فرهنگی چیست*، ترجمه نعمت الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بویس، مری، (۱۳۷۴). *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، توس.
- بویس، مری، (۱۳۸۱). *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، ققنوس.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۵۱). *التفهیم لآوائل صناعه التنجیم*، روایت فارسی، به کوشش جلال الدین همائی، تهران، انجمن آثار ملی.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۶۳). *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، امیر کبیر.
- پورداد، ابراهیم، (۱۳۸۰). *فرهنگ ایران باستان*، تهران، اساطیر.
- پورداد، ابراهیم، (۲۵۳۶ شاهنشاهی). *یسنا*، تهران، دانشگاه تهران.
- جناتی، ابراهیم، (۱۴۱۱ ه.ق). *دروس فی الفقه المقارن*، قم، مجمع الشهداء الصدر العلمی.
- دارمستر، جیمز، (۱۳۸۲) و (۱۳۸۵). *مجموعه قوانین زرتشت یا وندیداد اوستا*، ترجمه موسی جوان، ویرایش علی اصغر عبداللهی، تهران، دنیای کتاب و نیز چاپ سوم.
- رجبی، عباس و مشهدی نوش آبادی، محمد، (تابستان ۹۲). "آیین های طهارت در دین زرتشتی"، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء، شماره ۲۰۱۴، شماره ۱۸.
- رضی، هاشم، (۱۳۸۲). *دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت*، تهران، سخن.
- *روایت آذر فرنیغ فرخزادان*، (۱۳۸۴). رساله ای در فقه زرتشتی منسوب به سده سوم هجری، ترجمه و تصحیح حسن رضایی باغ بیدی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- *روایت امید اشوهیستان*، (۱۳۸۴). متعلق به سده چهارم هجری، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی؛ نزهت صفای اصفهانی، تهران، نشر مرکز.
- *روایت پهلوی*، (۱۳۶۷). متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، ترجمه مهشید میر فخرایی، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- سعیدی، محمدحسن، (۱۳۹۰). *دایره المعارف تشیع*، مقاله ی «گرمابه»، زیر نظر احمد رضا صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاء الدین خرمشاهی، ج ۱۴، تهران، موسسه انتشارات حکمت.
- *شایست ناشایست*، (۱۳۶۹). متنی به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی)، آوا نویسی و ترجمه کتایون مزداپور، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- الشریف المرتضی، (۱۴۱۷/۵۱۹۹۷م). *السید علی بن الحسین بن موسی، مسایل الناصریات*، طهران، رابطه الثقافت و العلاقات الاسلامیه.
- الطوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۸ه.ق). *الخلاف*، تحقیق سیدعلی خراسانی، سیدجواد شهرستانی و شیخ محمد مهدی نجف، ۶جلدی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- *قانون نامه حمورابی*، (۱۳۷۳). ترجمه کامیار عبدی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کای بار، پروفیسور آسموسن، مری بویس، (بی تا). مجموعه سه مقاله دیانت زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کولب، ویلیام، گولد، جولوس، (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران، مازیار.
- *گزیده های زادسپرم*، (۱۳۶۶). ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- گیویان، عبدالله، (۱۳۹۰). *مردم شناسی اجتماعات دینی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- محمدی، سید بیوک، (۱۳۷۰). «الگوهای فرهنگی»، *مجله فرهنگ، ویژه نامه علوم اجتماعی*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، کتاب نهم، ش ۶۴۲.
- مطهری، مرتضی، (بی تا). *عدل الهی*، تهران، صدرا.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۳۸۵). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، کوش، چ ۲.
- الموسوی الخمینی، روح الله، (بی تا) *التحریر الوسیله*، مکتبه العلمیه الاسلامیه، طهران.
- ویلیامز، آلن، (۱۳۸۸). *جستاری در فلسفه زرتشتی*، ترجمه سید سعیدرضا منتظری، تهران، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی فرهنگی.
- *پایان نامه: تحلیل مفاهیم پاک و ناپاکی در فرهنگ زرتشتیان ایران، مطالعه موردی شهر تهران، لیلیا صبوری نهند، استاد راهنما رحیم فرخ نیا، استاد مشاور کتایون مزدا پور، دانشگاه بو علی سینا، مقطع کارشناسی ارشد. تاریخ دفاع ۸۸/۱۰/۲۷*